

کند ترایی بی شک در همان هفته نخست لیگ ۲۶، جشن ۳۰۰ تایی شدنش را برپا خواهد کرد. دومی هم آرش رضوند، هافبک طراح با ۲۹۷ بازی برای تیم‌های نامداری چون نفت، سایپا، استقلال، فولاد و سپاهان است. او تنها سه بازی ثابت‌ر کورد ۳۰۰ بازی در لیگ برتر فاصله دارد.

برزخ ستارگان: ستاره‌هایی که منتظر تماسند
اما روی دیگر سکه این مارا تن بی‌رحم، بازیکنانی هستند که با کوله‌باری از تجربه، در آستانه آغاز دوره بیست‌وششم هنوز تیمی ندارند و در وضعیت مبهمی به سر می‌برند. این نفرات که به عنوان بازیکن آزاد شناخته‌می شوند، هر کدام می‌توانند گره‌گشای تیم‌های لیگ برتری باشند. میلاد فخرالدینی (۳۹۲ بازی)؛ اگر فخرالدینی تیمی داشت، او اکنون در صدر لیست باسابقه ترین هاپو دار کوردی حیرت‌انگیز که نشان از دوام بالای او دارد. حسن جعفری (۳۵۹ بازی)؛ مدافع راستی که سسال‌هایی حاشیه در سطح اول بازی کرد. سجاد شهپاززاده (۳۳۴ بازی)؛ مهاجم گلزن و آقای گل سابق که همچنان درانتظار یک چالش جدید است. رامین رضاییان (۳۰۲ بازی)؛ ستاره پرفروغ و تاثیر گذار فصل گذشته که وضعیتش در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. احسان پهلوان (۲۹۷ بازی)؛ هافبک تکنیکی که او هم تا امروز ۳۰۰ بازی تنها سه قدم فاصله دارد.

پرده آخر؛ وداع با اسطوره‌های مستطیل سبز
فوتبال همان قدر که رویش دارد، پاپان و خدا حافظی نیز گره خورده است. لیگ برتر در پایان دوره بیست‌وینجم، مجبور شد با سه تن از بزرگ‌ترین و با سابقه‌ترین بازیکنان خود وداع کند. مردانی که استوک‌های‌شان را آوایخندند تا جایی خود را به نسل جدید بدهند. کمال کامیابی‌نیا، هافبک جنگنده و مقتدر با ۳۵۹ بازی برای ۶ تیم. کمال سسال‌ها کمربند میانی تیم‌هایش را بیمه کرده بود. مهدی کیانی؛ تراکتور با سپاهان فرقی نمی‌کرد؛ کیانی با ۱۵۱ بازی برای پنج تیم، نماد غیرت و رهبری یک هافبک دفاعی ستی بود. سروش رفیعی؛ مهندس خط میانی با پاس‌های هنر مندانه دید وسیع، سروش با ۳۲۵ بازی برای ۶ تیم در لیگ برتر، خاطراتی فراشور نشدنی از فوتبال زیبارا برای مایه یاد گلر گذشت. لیگ بیست‌وششم در حالی آغاز می‌شود که سایه سنگین این تجربه‌ها بر سر تک‌تک ورزشگاه‌های ایران حس خواهد شد. جوان‌ترها می‌ایند تا با سرعت و تکنیک خود بدرخشند، اما این کهنه‌سربازان و پامان‌گل نسل‌های طلایی هستند که با هنرنمایی خود، پیچیده‌ترین گره‌های تاکتیکی را باز می‌کنند. در مارا تن پیش رو، بار دیگر ششسان‌مان به ساق پای این مردان ۳۰۰ تایی دوخته خواهد شد؛ مردانی که ثابت کرده‌اند طلای نساب فوتبال، در کوره تجریت آب‌دیده می‌شود.

منظور او مهدی تاج و حلقه مدیریت فعلی بود) بر سر کار باشند، تمایلی به پذیرش هیچ پیشنهادی از سوی آنها نخواهد داشت. با این حال، در فوتبال ایران هیچ چیز غیرممکن نیست و نام او همچنان یک تهدید جدی برای صندلی‌های لرزان است.

طوفانی در راه است؟

با کنار هم قراردن قطعات این پازل پیچیده، به یک جمع‌بندی نهایی و دلپروا (برای مربیان شاغل) می‌رسیم. فرهادمجیدی هنوز با هیچ تیمی پای میز مذاکره رسمی ننشسته‌و در اسپانیا اخبار را رصد می‌کند. بازگشت نکونام فعلا متوقف شده، یحیی گل محمدی با بندفسخ قرار دادش در عراق منتظر است و اسکوچیچ نیز همچنان یک مهره آزاد محسوب می‌شود. مرور این اسامی و شرایطشان، یک پیام واضح را به تمام سربریان تیم‌های مدعی در لیگ برتر و حتی تیم ملی مخابره می‌کند؛ شما هیچ گارانتی و ضمانت اجرایی طولانی مدتی برای ادامه فعالیت خود ندارید. وقتی چنین نام‌های بزرگ، بر افتخار و محبوبی بدون تیم هستند، هر لغزش کوچک، هر شکست بدوقوع و هر بحران تاکتیکی می‌تواند به قیمت یک‌بر کناری سریع تمام شود. احتمال بروز تغییرات گسترده و ناگهانی در لیگ برتر، حتی در همان هفته‌های ابتدایی فصل، بسیار بالاست. این روند بی‌رحمانه، حداقل در فوتبال ایران، آراش پیش از طوفان است. اگر خوب گوش کنید، صدای پای مربیانی چون یحیی، فرهاد، جواد و درگان، در راه روی تمام تیم‌های بر طرفدار ایران و اتاقی با حق فدراسیون فوتبال، به وضوح شنیده می‌شود؛ صداهایی که می‌گویند؛ ما آماده‌ایم، شما چطور؟

عنوان	مبلغ سپرده به ریال	شماره تجدید مزایده
اجاره مجموعه ورزشی شهید بهشتی	۳۰۰٫۰۰۰٫۰۰	۵۰۰۰۹۴۵۰۰۰۰۰۰۰۵
اطلاعات تماس دستگاه مزایده گزار : آدرس : بزرگراه آیت الله سعیدی - روبروی سه راه بوتان - خیابان شهید حاجی احمد - پلاک ۱۰ - ساختمان شهرداری و تلفن : ۵۵۲۷۹۲۹۵ - ۰۲۱		
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت		
درباره مزایده		
در سامانه : مرکز تماس : ۰۲۱-۴۱۹۳۴		
دفتر ثبت نام : ۸۵۱۹۳۷۶۸ و ۸۸۹۶۹۷۳۷		
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۵/۰۵		
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۵/۱۲		
امور قرارداد‌های شهرداری چهار دانگه		



تراکتور) را به تن کرده است. حضور شجاع در خط دفاعی هر تیمی، به معنای تریق روحیه جنگندگی، شجاعت در درگیری‌های هوایی و البته رهبری خط دفاع است. **فرهاد احمدزاده: تکنسین فانتزی باز (۲۰۴ بازی)**: آخرین عضو کلوپ ۳۰۰ تایی‌های این فصل، وینگر تکنیکی و برزقشای است که به حضورش در فولاد ادامه خواهد داد. این چهارمین تیم فرهاد احمدزاده در لیگ برتر بعد از سپاهان، تراکتور و پرسپولیس است. فرهاد با ۳۰۴ بازی، سال‌هاست که با دریل‌های ویرانگر و هوش بالای خود در یک سوم دفاعی حریفان، گره‌گشای تیم‌هایش بوده است.

پشت دروازه‌های شهرت

هیچ بازیکن دیگری در لیست مردان فعال و دارای قرارداد این فصل با حضور در ۳۰۰ بازی وجود ندارد. اما این به معنای پایان کار نیست؛ چرا که دو ستاره بزرگ لیگ، نفس‌نفس زان در آستانه ورود به این باشگاه تاریخی هستند؛ اولی مهدی ترابی است. دهمین بازیکن با سابقه این فصل که با ۲۹۹ بازی برای سایپا تراکتور و پرسپولیس، تنها به یک سوت داور نیاز دارد تا نامش را در تاریخ جاودانه

علی محمدی با سابقه ۳۰۷ بازی برای ۶ تیم مختلف (از جمله سپاهان، پیکان و مس رفسنجان)، نماد آرامش و بازیسازی در مرکز میدان است. او با دید باز و پاس‌های خشنشکنش، همواره ریتیم بازی تیمش را در دست دارد و حضورش در اصفهان، نقطه اتسکای گاندوها در فصل جدید خواهد بود.

۷. حمید بوحمدان: جنگجوی بی ادعا (۳۰۶ بازی): اگر به دنبال یک هافبک دفاعی تخریب‌چی با ششوت‌های سه‌مقیان از راه دور می‌گردید، حمید بوحمدان بهترین گزینه است. او که فصل پیش راهی استقلال خوزستان شد و در لیگ ۲۶ بار در دیار کارون به کارش ادامه می‌دهد، با پیراهن هفت تیم مختلف در تاریخ لیگ برتر ۳۰۶ بازی انجام داده‌است. بوحمدان در میانه میدان می‌جنگد تا تیمش نفس نکشد؛ یک کارگر بی‌ادعا اما بشدت موثر.

۸. شجاع خلیل زاده: برنده متعصب (۳۰۶ بازی): مدافع میانی مستحکمی که با هرش پای بلند و تعصب مثال‌زدنی‌اش شناخته می‌شود. شجاع خلیل‌زاده در ۳۰۶ بازی تاریخ لیگ برتر حضور داشته و پیراهن چهار تیم بزرگ (مس کرمان، سپاهان، پرسپولیس و

نگاهی به با تجربه ترین بازیکنان لیگ ۲۶ گلدیاتورها

که واژه تلاش را در زمین مسابقه معنا می‌کند. ساسان انصاری با ۳۸۲ بازی، یکی از وفادار ترین و در عین حال متعصب‌ترین بازیکنان تاریخ لیگ است. او بر خلاف بسیاری از همتایانش، چندان علاقه‌ای به تعویض بیایی پیراهن نداشته و تمام این سال‌های در خشان را تنها در چهار تیم باشگاهی (سپاهان، فولاد، پرسپولیس و تراکتور) سپری کرده است. دوندگی‌های بی‌امان ساسان، او را به کاپوس همیشگی مدافعان حریف تبدیل کرده است.

۱۳. احسان حاج‌صفی: کاپیتان کلاسیک (۳۷۸ بازی): صحبت از احسان حاج‌صفی، صحبت از کلاس، کیفیت و ثبات است. بازیکنی با پاسی چپ جادویی که ۳۷۸ بار در تاریخ لیگ برتر به میدان رفته و جالب اینجاست که این ر کورد شگفت‌انگیز را تنها با پوشیدن پیراهن دو تیم (سپاهان و تراکتور) به ثبت رسانده است. احسان ر کورددار بلامناع بازی برای زردپوشان دیار زاینده‌رود در این رقابت‌هاست. حضور او در هر تیمی، وزنه‌ای از تجربه و رهبری را به خنکن اضافه می‌کند و تماشا‌شای بازی‌هایش، یسار او در دوران طلایی فوتبال ایران است.

۴. مهدی شیریں: مسافر خستگی ناپذیر (۳۳۰ بازی): مدافع راستی که سال‌هاست طول زمین را بالا و پایین می‌ود و حالا با ۳۳۰ بـازی، در رتبه چهارم این فهرست قرار دارد. مهدی شیریں از آن دست بازیکنانی است که همیشه مشورتیان خود را داشته‌است؛ بازیکنی که پیراهن هفت تیم مختلف از جمله فولاد، تراکتور، پرسپولیس و نفت را بر تن کرده است. شیریں با تکیه بر سانترهای دقیق و حضور مداوم در فاز هجومی و دفاعی، نشان داده که سن برای او تنها یک عدد است.

۴. دانیال اسماعیلی‌فر: موتور توربو (۳۱۷ بازی): دانیال یکی از مدرن‌ترین بازیکنان کناری فوتبال ایران در یک دهه اخیر بوده است. او با پیراهن چهار تیم بزرگ و مدعی یعنی سپاهان، ذوب‌آهن، تراکتور و پرسپولیس موفق شده ۳۱۷ بار در لیگ برتر به میدان برود. نقودهای سریع، تکنیک با دش‌ گلزنی بالایی و باعث شده تا همیشه در زمره بهترین‌های پست خودش قرار بگیرد. دانیال همچنان یکی از مهره‌های کلیدی در شرح تاریخ تاکتیکی مربیان محسوب می‌شود.

۶. جلال‌الدین علی‌محمدی: آقای آرام (۳۰۷ بازی): هافبک خلاق و مطرح که فصل آینده نیز به حضورش در ذوب‌آهن ادامه خواهد داد. جلال‌الدین

آر یا طاری

سوت آغاز بیست‌وششمین دوره از رقابت‌های لیگ برتر خلیج فارس، قرار است در خنکای دلپذیر روز جمعه ۲۳ مرداد ۱۴۰۵، در ورزشگاه یادگار امام تبریز و با تیرد هیجان‌انگیز تراکتور و پیکان به صدا در آید. رقابت‌هایی که ریشه‌هایش به ابان‌ماه سال ۱۳۸۰ بازمی‌گردد؛ روزهایی که فوتبال ایران پوست انداخت و وارد دوران حرفه‌ای خودش شد. حالا پس از گذشت ربع قرن و عبور از فراز و نشیب‌های فراوان، لیگی که در هشتم اسفند سال گذشته به‌خوبی چند ماهه رفته بود، با طراوتی تازه بیدار می‌شود تا بار دیگر یک میلیون‌ها هوادار را به تیش وادارد. اما در میان هیاهوی نقل و انتقالات، ورود جوانان جوانی نام و خریدهای پرس‌رو صدای خارجی، داستان مردانی که سال‌هاست استوک‌های‌شان با چمن ورزشگاه‌های مختلف این مرز و بوم خو گرفته، قصه‌ای دیگر است. آنها که سرد و گرم فوتبال ایران را چشیده‌اند، مصدومیت‌ها را پشت سر گذاشته‌اند، بارها روی شانه‌های هواداران تشویق شده‌اند و گاهی طعم تلخ انتقاد را چشیده‌اند. در این گزارش ویژه، به سراغ باشگاه باشکوه ۳۰۰ تایی‌های لیگ رفته‌ایم؛ ۹ گلدایاتور خستگی ناپذیر که در لیگ ۲۶ حاضرند و هر کدام با بیش از ۳۰۰ بار به میدان رفتن، ستون‌های زنده تاریخ لیگ برتر محسوب می‌شوند. چشم‌نخورد آقاییان باتجربه‌را در میان انبوه بازیکنان حاضر در این فصل، تنها ۹ نفر موفق شده‌اند از مرز رویایی ۳۰۰ بازی در تاریخ لیگ برتر عبور کنند و همچنان در مستطیل سبز نفس بکشند. این شما و این شانسانمه‌های زنده لیگ بیست‌وششم.

۱. حامد لک: عقاب مار کوپولو (۳۸۷ بازی): در صدر جدول با سابقه‌ترین بازیکنان فصل جدید، نام یک دروازه‌بان می‌در خشد. حامد لک که در لیگ ۲۶ پیراهن فولاد خوزستان را بر تن خواهد کرد، بار کورد دست‌نیافتنی ۳۸۷ بازی، پادشاه بی‌چون‌وچرای با تجربه‌هاست. لک در طول این سال‌ها به معنای واقعی کلمه یک مار کوپولو بوده‌و از دروازه هشت تیم مختلف در لیگ برتر محافظت کرده است. از روزهای جوانی تا رسیدن به پختگی، حامد با کوشش‌های ددنی، جوانی خاص خودش و استمرار در بالاترین سطح، نشان داده که چرا مطمئن‌ترین ست‌نگر بازیان ایران است. **۲. ساسان انصاری: دودهنه نو بوق (۳۸۲ بازی)**: شماره دوی این لیست، مهاجم و وینگرگی است

اتفاق روز

سایه‌های سنگین روی نیمکت‌های لرزان

ارواح سرگردان

نگار رشیدی

تصور کنید سرمربی یک تیم بزرگ در فوتبال ایران هستید؛ کنار خط طولی زمین ایستاده‌اید، فریادی می‌نید، تا تکنیک‌ها را دیده‌ی می‌کنید و در ظاهر همه چیز تحت کنترل شماست. اما در پس ذهن شما، ترسی پنهان و سرمایی گزنده وجود دارد. شما می‌دانید که روی یک صندلی لرزان نشستاید و درست پشت سر تان، در سایه‌های تاریک سکوها و راهروهای ورزشگاه، مردانی بزرگ، بر افتخار و نام‌دار ایستاده‌اند که با کوچک‌ترین لغزش شما، مانند تاج‌جایگاه‌تان را تسخیر کنند. این روزها، فوتبال ایران در گریز یک تصویر ترسناک و در عین حال هیجان‌انگیز است. لشکری از سربریان نام‌دور و فاتح بدون تیم‌ها، مانند دوان یحیی، یعنی حاشیه‌امنی برای مربیان شاغل وجود ندارد. در این مطلب به سراغ چهار مهره‌ای ویژه‌ای می‌رویم که بیرون از گودنشته‌اند، اما نفس‌های‌شان بیش از هر زمان دیگری پشت گردن سربریان فعلی لیگ برتر و تیم ملی حس می‌شود.

فرهادمجیدی: شاه‌زاده‌ای در تبعید

برای شروع این قصه بر مهاجران، باید ماشین زمان را اسوار شویم و به چهار سال قبل یعنی بهار سال ۱۴۰۱ بازگردیم. شبی که آسمان تهران آبی‌تر از همیشه بود و فرهادمجیدی، اسطوره محبوب سکوها، استقلال با، چشمانی اشک‌بار و بغضی در گلو، چهره‌فرمانی را بالای سر د. او کاری را کرد که در تاریخ لیگ برتری سابقه‌بو ده‌فرمانی بدون حتی یک شکست، اما درست ۴۸ ساعت بعد، در اوج جنون و شادی هواداران، او با انتشار نامه استعفا خود، شوک بزرگی به فوتبال ایران وارد کرد. قابل پیش‌بینی بود که فرهاد، چمدان‌هایش را به مقصد امارات ببندد تا ماجراجویی جدیدی را در آن سوی خلیج فارس آغاز کند. او چهار سال در کشور همسایه جنوبی به مربیگری پرداخت. اگر چه کارنامه کلی او در این مدت قابل قبول و همراه با تجربیات ارزشمند بود، اما فصل گذشته برای او یک اثر دزدی ورزشی به پایان رسید؛ تجربه تلخ سقوط به لیگ پایین‌تر با تیم البطائح. پس از این فصل فرسایند، مجیدی تصمیم گرفت برای بازیابی آرامش خود به مقصد همیشگی تعطیلاتش، یعنی اسپانیاسفر کند. اما ماجادوی نام‌فرهادمجیدی در فوتبال ایران این است که حتی وقتی هزاران کیلومتر دورتر از مرزها در حال استراحت است، نامش در صدر اخبار رسانه‌های ورزشی دست‌به‌دست می‌شود. در واقع، یک قانون نافذشده در فوتبال ایران وجود دارد؛ هرگاه فرهاد، مجیدی بیکار باشد، نام او به عنوان گزینه اصلی تمام تیم‌های بزرگ (به جز پرسپولیس) مطرح خواهد شد. در روزهای گذشته، شایعات بازگشت او به رختکن استقلال و سپاهان به شدت داغ شد و در ۴۸ ساعت اخیر، حتی نام او به عنوان ناچی احتمالی تراکتور نیز بر زبان‌ها افتاد. این در حالی است که محمدرضایی با قدرت در حال آمادسازی تراکتور برای روزهای سخت ابتدای فصل است. محرم‌نوید کبابه تازگی را اعتماد هیئت مدیره سپاهان را در جیب گذاشته و استقلال نیز در ظاهر هیچ مذاکره رسمی با و نداشته است. با این حال، سسایه فرهادان قدر سنگین است که با اولین تساوی یا شکست این تیم‌ها، نام او دوبار و روی سکوها فرایز ده خواهد شد.

معمای تیم ملی: زلزلال در محاصره تردیدها

اما داستان به همین جا ختم نمی‌شود. وحشت نیمکت‌های لرزان، از مرزهای لیگ برتر عبور کرده و به مهم‌ترین نیمکت کشور، یعنی تیم ملی ایران رسید. است. نام فرهادمجیدی، در کنار چهره‌های دیگری چون یحیی گل محمدی و جواد نکونام، در جلسه پرماجرا، منتهی و پر حاشیه هفته گذشته هیئت رئیسه فدراسیون فوتبال به‌عنوان گزینه‌های بالقوه جانشینی

ورزش بانوان

مريم ايراندوست و رويای فتح ليگ بر تر با استقلال طوعی تازه
گاهی در مسیر رویاها، برای رسیدن به قله‌های بلندتر، نیاز به یک شروع تازه و نفسی مسیحایی است. تیم فوتبال زنان استقلال که در دو فصل گذشته با هدایت دلسوزانه مریم حسن زاده، مسیر پر فراز و نشیب لیگ دو تالیگ بر تر را با جسارت و موفقیت طی کرده بود، حالا در آستانه فصل جدید، ایستن یک اتفاق بزرگ و تاریخی است. دختران آبی پوش که با تلاش و جنگندگی بلیت حضور در بالاترین سطح فوتبال ایران را به دست آور دند، اکنون چشم انتظار روزهایی هستند که جام قهرمانی را در آغوش بکشند. برای تحقق این رویای بزرگ، مدیران باشگاه تصمیم گرفتند سکان هدایت این کشتی را به دست یکی از مخاخر و اسطوره‌های فوتبال زنان ایران بسانند. روز گذشته، راهروهای باشگاه استقلال شاهد قدم‌های زنی بود که نامش با تاریخ و اصالت فوتبال زنان این مرز و بوم گره خورده است. مریم ایراندوست، پس از توافق نهایی با اعضای قرار داد، با بلبلخندی که نشان از عزم اسخ و داشت، رسامیه عنوان سرمربی جدید تیم فوتبال زنان استقلال معرفی شد. این اتفاق تنها یک جله‌جایی روی نیمکت نیست؛ بلکه پیوند خوردن تجربه، افتخار و انگیزه برای فتح قله‌های جدید است و خونی تازه در رگ‌های این تیم تا نفس می‌دمد.



اگر به کارنامه مریم ایراندوست نگاه کنیم، تنها اعداد و ارقام نمی‌بینیم، بلکه داستان حماسی دختری را می‌خوانیم که سال‌ها در مستطیل سبز جنگیده و افتخار آفریده است. او به عنوان یکی از موفق‌ترین بازیکنان تاریخ، با پیراهن ملوان بیش از ۹۰ بازی رسمی انجام داد. ۴۱ بار تو دروازه قیابا ره‌لرزه در آورد و چهار قهرمانی و ۶ نائب‌قهرمانی را تجربه کرد. اما شکوه اصلی او زمانی رقم خورد که از کنار خط طولی زمین، به عنوان سرمربی، دست به کارهای غیرممکنی زد. چه کسی می‌تواند روزهای تاریخی و غرور انگیز تیم ملی زنان ایران را فراموش کند؟ روزهایی که مریم ایراندوست با هدایت جسورانه خود، تیم ملی را پس از سال‌ها انتظار تلخ، به مرحله نهایی جام ملت‌های آسیا رساند و بغض فرو خورده فوتبال زنان را به اشک شوق و غرور ملی تبدیل کرد. او که سابقه نشستن روی نیمکت تیم‌های بزرگی چون ملوان و سپاهان را دارد و نایب‌قهرمانی‌های متعددی را در لیگ برتر کسب کرده است، حالا با مدرک کارشناسی تربیت بدنی و مدرک معتبر مربیگری AFC، قرار است تفکرات حرفه‌ای خود را به کالبد تیم استقلال تزریق کند. زنی که بارها عنوان بهترین مربی فوتبال زنان ایران را از آن خود کرده، اکنون در چالشی جدید، ماموریت دارد تا با احترام به زحمات گذشته، رویای قهرمانی دختران استقلال را در لیگ برتر به حقیقت تبدیل کند. حالا در روزهای آغازین این مسیر جدید، قلب هزاران هوادار برای دختران جسورشان می‌تپد. مریم ایراندوست آمدن است تا با کوله‌باری از تجربه و قلبی سرشار از عشق، فصلی نو و حماسی را برای زنان استقلال رقم بزند؛ فصلی که شاید در پایان آن، تاج زیبای قهرمانی بر سر دختران آبی پوش ایران بنشیند.

گزارش



صدای موج‌های خزر این روزها دیگر آراش بخش نیست؛ از حوالی انزلی فقط بوی نگرانی، دلپرو و بلا تکلیفی به مشام می‌رسد. کمتر از دو هفته تا سوت آغاز فصل جدید لیگ برتر در ۲۳ مرداد باقی مانده، اما سربان قلب‌بوی سپیده کندترن ترن حال ممکن می‌تپد. در روزهایی که قیابا یو ده‌جه‌های نجومی در بازار نقل و انتقالات جولان می‌دهند و ستاره‌ها را یکی پس از دیگری صید می‌کنند، ملوان، این نماد اصالت و یکی از بر طرفدار ترین تیم‌های فوتبال ایران، حتی نمی‌داند فردا قرار است با کدام مالک و کدام اسپانسر از خواب بیدار شود. چگونه ممکن است تیمی که هويت یک شهر و عشق یک قید و شرط هزاران سکونشین است، در چنین برزخ مدیریتی درنکای؟ ها شود؟ پس از کنار رفتن اشکان پوررشید از مالکیت، انگار سایه سنگین بی تفاوتی روی سرب این باشگاه افتاده است. سپاهمداران در یک جواب عمیق به سرمی‌زن دو توان توافق با هیچ مالک جدیدی ندارند. صندلی مدیر عامل خالی است، هیات مدیره حتی تکمیل نشده تا جانشینی برای پیمان نوری انتخاب کند و اسپانسر؟ کلمه‌ای که این روزها در انزلی شبیه به یک افسانه دست‌نیافتنی شده است. پوررشید منتظر تعیین تکلیف مدیریت و اسپانسر است تا برای ادامه همکاری تصمیم بگیرد. اما زمان بی‌رحم است و برای ملوان سرمی‌رنی کند.

شاگردان مازار ازاع باید در خام‌نست، چمدان‌ها را ببندند و راهی آبادان شوند تا در هفته اول به مصاف صنعت نفت بروند. اما با کدام لشکر؟ با کدام پشتیبانی؟ تیمی که در گیر ابتدایی ترین مشکلات مالی است و در بازار نقل و انتقالات تنها به تمدید قرار داد چند بازیکن بسنده کرده، چگونه می‌تواند در این کارزار نابرابر، لیگ برتر بجنگد؟ بدون جذب بازیکنان جدید و تزریق خون تازه، فرستادن این تیم به مسابقات، چیزی جز بی انصافی مطلق در حق هواداران عاشق انزلی‌چی نیست. آقاییان مسئول، سهامداران و تصمیم‌گیرندگان فوتبال برای انزلی فقط یک ورزش نیست، خود زندگی است. این حجم از هاشدگی و سوءمدیریت، بازی مستقیم با احساسات مردمی است که تنها دلخوشی‌شان در سکوها استاد بوم سیروس قایقران خلاصه می‌شود. عقربه‌های ساعت به سرعت در حال خر کنند و قوی سپید در باتلاق بی تفاوتی شماسد و یامی‌زند. تادیر نشده، تا صدای شکستن استخوان‌های این تیم ریشه‌دار در هیاهوی لیگ نم‌نشده، به داد ملوان برسد. فردا برای نجات این عشق، خیلی دیر است.